

## حزبی‌گرایی و سیاست در نگاه اسلام

در این عصر، برخی از مسلمانان به تحریم حزبی‌گرایی و سیاست فتوا داده‌اند؛ دیدگاهی خطرناک که پیامدهای ویرانگری دارد و هدف آن، دور کردن اسلام از زندگی است. این حکم بر پایه دلیلی عقلی صادر شده و حتی سایه‌ای از دلیل شرعی نیز ندارد؛ یعنی این افراد با نگاهی کلی به وضعیت فساد فعلی در احزاب سیاسی موجود، واقعیت را به‌عنوان منبع تشریح گرفته و حکم عقل را بر حرمت حزبی‌گرایی و سیاست جاری کرده‌اند. سپس برای تأیید نظر خود، متوسل به تأویلاتی از متون شرعی شده‌اند، از جمله این آیه: «كُلُّ جُزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرْحُونَ» «هر گروهی به آنچه نزد خود دارند شادمان‌اند»؛ که آن را نکوهش حزبی‌گرایی دانسته‌اند، یا از حدیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به حذیفه بن یمان: «فَاعْتَزَلْ تِلْكَ الْوَرَقَ كُلَّهَا» «از تمام آن گروه‌ها کناره بگیر». چنین برداشت کرده‌اند که دستور به ترک سیاست و حزبی‌گرایی داده شده؛ اما این تأویلات، تحمیلی و مطابق با هواهای نفسانی آن‌هاست. حقیقت آن است که غرب کافر در پس این اندیشه مرگ‌آور برای امت اسلامی ایستاده تا آن را از مسیر تغییر شرعی منحرف سازد.

در حقیقت، نکوهشی که از فرموده الله سبحانه‌وتعالی در این آیه برداشت می‌شود: «كُلُّ جُزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرْحُونَ»، در واقع نکوهش حزب‌گرایی است که بر پایه‌های باطل و غیردینی بنا شده است؛ چراکه الله سبحانه‌وتعالی در ابتدای این آیه کریمه می‌فرماید: «الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» «همان کسانی که دین خود را پراکنده کردند و گروه‌گروه شدند»، یعنی کسانی که از اصل عقیده دور شدند و هر گروهی به‌سوی عقیده‌های باطل و بی‌پایه دعوت می‌کند؛ بنابراین، حقیقت نکوهش آمده در این آیه کریمه، نکوهش خود حزب‌گرایی نیست، بلکه نکوهش حزب‌گرایی یا احزابی است که بر پایه‌های باطل شکل گرفته‌اند.

اما دستور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث شریف: «فَاعْتَزَلْ تِلْكَ الْوَرَقَ كُلَّهَا» دستور به دوری جستن از گروه‌های باطل و سیاستمداران فاسدی است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آنان اشاره فرمود؛ چنان‌که می‌فرماید: «دُعَاةٌ إِلَىٰ أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَفَّؤُهُ فِيهَا» «(آنان) دعوت‌کنندگانی به‌سوی درهای جهنم هستند؛ هر کس دعوتشان را بپذیرد، او را در آن می‌افکنند». بر این اساس، دستور به دوری از فرقه‌ها، دستور به دوری از فرقه‌های گمراه و سیاستمداران فاسد است، نه حرمت سیاست یا حزب‌گرایی.

حزبی‌گرایی به‌لحاظ سرشتی، امری طبیعی است؛ چراکه انسان‌ها به‌طور طبیعی در پی تأمین نیازهای خود هستند و دیدگاه هرکس نسبت به تأمین این نیازها، تابع باورهای او در زندگی است؛ بنابراین، مردم در نگرش به منافع و مصالح اختلاف دارند و این اختلاف، سبب شکل‌گیری دو یا چند گروه با دیدگاه‌های متفاوت می‌شود. در زبان عربی نیز «حزب» به گروهی گفته می‌شود که با فردی هم‌نظرند. اسلام نه تنها این تمایل طبیعی به حزب را انکار نکرده، بلکه آن را تأیید کرده و دعوت کرده است که احزاب بر پایه عقیده اسلامی تشکیل شوند. چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «و باید از میان شما گروهی باشند که به کار خیر دعوت می‌کنند و به نیکی فرمان می‌دهند و از بدی باز می‌دارند و آنانند رستگاران»؛ بنابراین، حزبی که مردم را به اسلام و احکام آن دعوت کند، حزب الله سبحانه‌وتعالی است و احزابی که مردم را به غیر اسلام دعوت کنند یا اندیشه‌های غیر شرعی را حمل نمایند، از احزاب باطل‌اند که شیطان آن‌ها را در دل‌های جاهلان زیبا جلوه داده است.

بدین ترتیب، اسلام، مبنای احزاب را می‌سنجد تا حکم خود را درباره آن‌ها صادر کند؛ و این سخن که اسلام ذاتاً حزب و حزب‌گرایی را حرام دانسته، صحیح نیست. دلیل بطلان دیدگاه کسانی که حزب‌گرایی را حرام می‌دانند، این فرموده الله سبحانه‌وتعالی است: «...أَيُّ الْجَزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا» «...کدام یک از آن دو گروه مدت ماندن خود را حساب کرده است» یعنی اگر حزب‌گرایی حرام بود، الله سبحانه‌وتعالی به خود حزب بودن آن دو گروه اعتراض می‌کرد، بدون توجه به محتوای آن‌ها و در این صورت، حزب بودن حتی اگر بر حق باشد حرام به‌شمار می‌رفت؛ اما چنین نیست. چراکه امر و نهی درباره حزب‌گرایی بسته به آرا و افکاری است که حزب حامل آن‌هاست و کارها و رفتارهایی است که انجام می‌دهد، نه صرفاً به‌خاطر حزب بودن.

همچنین در سیاست، حکم بستگی به اندیشه و روشی دارد که سیاستمدار بر آن راه می‌رود؛ اگر مردم را بر اساس اندیشه جدایی دین از دولت اداره کند، این کار حرام است و سیاستمدار و پیروانش را گرفتار خشم و غضب الله سبحانه‌وتعالی می‌کند؛ اما اگر سیاست مبتنی بر معروف و نیکی باشد، همان‌گونه که پیامبران صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم رفتار می‌کردند، این امری است که باید انجام شود و پیروی از اهل آن لازم است؛ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ» «بنی‌اسرائیل را پیامبران اداره و سرپرستی (سیاست) می‌کردند» یعنی: آن‌ها را به وسیله احکامی که الله سبحانه‌وتعالی امر فرموده بود، اداره می‌کردند.

پس سیاست، همان سرپرستی است و در اسلام، سرپرستی امور مردم با احکام عقیده اسلامی انجام می‌گیرد. فساد سیاستمداران فریبکار دلیلی بر حرمت سیاست نیست؛ زیرا فساد افراد نادرست، توجیهی برای ترک مسئولیت ما در سرپرستی مردم و اجرای احکام اسلام نیست.

خلاصه: گفتن این که حزب‌گرایی و سیاست حرام است، سخنی بسیار خطرناک و فریبنده است که سران کفر در تلاش‌اند آن را به دلایل زیر تثبیت کنند: نخست: دور نگه‌داشتن مسلمانان از کار جمعی حزبی برای برپایی اسلام در عرصه زندگی، چراکه تحقق اسلام جز به شکل جمعی و حزبی سازمان‌یافته همان‌گونه که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدان فراخواند، ممکن نیست. دوم: دور نگه‌داشتن دین از سیاست و سرپرستی امور تا دین را به مذهبی کشیش‌محور و منحصر در شعائر عبادی تبدیل کنند؛ درحالی‌که مسائل سیاست و حکومت را به تشریح بشر واگذارند، همان‌گونه که حاکمان و سیاستمدارانی که مانند آن‌ها هستند، مردم را بر اساس ملی‌گرایی‌ها و قومیت‌هایی که تعصبات را رواج داده‌اند و دموکراسی پوسیده‌ای که هرچومرج را در اقتصاد و اخلاق تثبیت کرده، اداره می‌کنند... اما هرگز، هرگز گوش به امیال آنان نخواهیم داد یا میدان را برای آنان خالی نخواهیم گذاشت؛ چراکه ما امت بزرگی هستیم که برای مردم بیرون آورده شده تا آنان را با نظام‌ها، افکار و احکام اسلام اداره و سرپرستی کند. پس برپایی دولت خلافت راشد موعود، مسئله حیاتی ما بوده و هدفمان، از سرگیری زندگی اسلامی و رساندن پیام اسلام به جهانیان از راه دعوت و جهاد است؛ و بی‌گمان، فردا به‌زودی برای بیننده‌اش فرامی‌رسد، به اذن الله سبحانه‌وتعالی!

بر این اساس، در پاسخ به فرموده الله سبحانه‌وتعالی: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «و باید از میان شما جمعی باشند که به خیر دعوت کنند و به کار شایسته فرمان دهند و از کار ناپسند بازدارند و آنان همان رستگارانند». حزب‌التحریر که حزبی سیاسی و اسلامی است، اسلام را مبنای خود قرار داده و سیاست، فعالیت اوست؛ با امت و در میان امت برای برپایی دولت خلافت راشد تلاش می‌کند. اسلامی‌بودن این حزب از آرائ و افکاری که از آغاز تأسیس خود در سال ۱۳۷۲ هجری (۱۹۵۳ میلادی) بدان فراخوانده، پیداست. میدئی‌بودن حزب نیز روشن است، چراکه فکری که برای تحقق آن در عرصه زندگی تلاش می‌کند، همان برپایی خلافت است و طریقه تحقق این فکرة، همان طریقه شرعی است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برپایی دولت نخست اسلام به‌کار برد.

اما اینکه سیاست فعالیت اوست، این را حزب‌التحریر در اقدامات خود با صداقت و شجاعت در بیان حق و آشکار ساختن فساد افکار نادرست و رویارویی با ستمگران و تبیین افکار و مفاهیم صحیح اسلامی و همچنین توضیح نظام‌های حکومتی، اقتصادی، آموزشی و اجتماعی... در کتاب‌ها، قانون اساسی دولت خلافت و دستگاه‌ها و نظام‌های حکومتی خود به‌خوبی نشان داده است؛ و این کتاب‌ها بر هیچ جویای حقیقتی پوشیده نیست.